



تنظیم‌بودجه۱۴۰۱ با فرض وجود تحریم‌ها

چانه‌زنی دروین فشار در تهران

گروه اقتصاد: نخستین روز از گفت‌وگوهای برج‌امی در وین آغاز شد و در تهران نخستین زمزمه‌های بودجه‌ای دولت آغاز شده است و هم‌زمان اولین جلسه فوق‌العاده هیئت دولت برای بررسی لایحه بودجه سال آتی، نیز برگزار شد...

صفحه ۵

چهارشنبه ۱۰ آذر ۱۴۰۰ • ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ • ۱ دسامبر ۲۰۲۱

تنترها

وعده‌توخلای دولت در حمایت حداکثری از شهرداری تهران حذف سهم شهرداری‌ها از بودجه ملی

صفحه ۹

سومین واکنش رئیس صداوسیما به بازگشت فردوسی‌پور

صفحه ۱۱

بررسی حکم صادره برای مدیرعامل دیوار

استارت آپ‌ها تنها هستند

صفحه ۹



هنری کیسینجر جادوگر جهان غرب

صفحه ۸

حرف اول

مبتلایان اچ‌آی‌وی از منظر میان‌برشی

علی‌احمد رفیعی‌راد • کارشناس مؤسسه رحمان



اچ‌آی‌وی/ایدز یک بیماری مزمن غیرقابل درمان قطعی است که ب‌ا دارودرمانی می‌توان آن را کنترل کرد، بااین‌حال اثرات ناتوان‌کننده زیادی به‌ویژه در تشخیص دیر هنگام بر فرد مبتلا می‌گذارد. همچنین با استیگما و انگ زیاد و پیچیده‌ای همراه است که پذیرش و درمان آن را با مشکل مواجه می‌کند. این بیماری اگرچه وضعیتی است که برای مرزهای قشربندی و طبقاتی می‌رود ولی به دلایلی، عمده مبتلایان آن از میان افراد نامرئی و حاشیه‌ای بوده که توان محافظت از خود در برابر عوامل بیماری‌زا را ندارند. سوا‌ی مبتلایان فرودست، استیگما و انگ مرتبط حتی مبتلایان فرادست را نیز در خود حبس کرده و از افشای بیماری جلوگیری می‌کند. با توجه به پیچیده و چندبعدی بودن اچ‌آی‌وی/ایدز برای فهم درست وضعیت مبتلایان می‌توان از رویکرد چند منظری میان‌برشی استفاده کرد. وفق رویکرد میان‌برشی یا تقاطع‌باوری (Intersectional) وابسته دانستن هویت به یک ویژگی عام مورد قبول نیست، زیرا در این‌گونه طبقه‌بندی‌های یک‌دست‌کننده، تجارب خاص، نامرئی می‌شود. از این‌رو یک رویکرد تحلیلی مناسب باید به تأثیرات هم‌زمان زندگی اجتماعی اشاره داشته باشد. وابسته به چنین رویکردی بسیاری از محققان، رویکرد میان‌برشی را برای کشای و درک نابرابری‌های درهم‌تنیده ضروری می‌دانند. چنین مفهومی برای آگاهی درست از وضعیت زندگی افراد نامرئی و حاشیه‌ای بسیار راهگشاست. برای تأثیرات هم‌زمان در زندگی مبتلایان اچ‌آی‌وی/ایدز می‌توان علاوه بر بیماری، هم‌زمان متغیرهای جنس، سن، محل سکونت، وضعیت افشا، وضعیت شغلی، وضعیت تحصیلی، وضعیت درآمد، میزان حمایت‌های اجتماعی، وضعیت وابستگی به مواد مخدر، محرک و الککل، سابقه زندان، وضعیت معلولیت، سلامتی و میزان پیشرفت بیماری و مانند آن را نیز اضافه کرد. فرودستی در هرکدام از مزیت‌های پیش‌گفته یا ارتکاب رفتارهای پرخطر اشاره‌شده به مثابه وزنه سنگینی است که به پای فرد مبتلا بسته می‌شود و او را به پایین رده‌بندی نظام اجتماعی می‌کشاند. به بیانی ساده‌تر هرکدام از متغیرهای برهم‌کنش اخیر می‌توانند وضعیت و شدت مسئله را پیچیده‌تر کنند.

ادامه در صفحه ۲



گفت‌وگوی امیرعبد‌اللهیان و گوترش

۶ دوره مذاکرات قبلی وین را نادیده نمی‌گیریم

گروه دیپلماسی: حسین امیرعبد‌اللهیان وزیر امور خارجه ایران، با آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل متحد درباره مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی ازجمله تحولات افغانستان و مذاکرات هسته‌ای در وین به صورت تلفنی به گفت‌وگو و تبادل...

صفحه ۴

سال نوزدهم • شماره ۴۱۵۸ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

حقوق بشر در اغما

حمزه نوذری • جامعه‌شناس و استاد دانشگاه



سخن از فاجعه بشری است که هیچ‌کس را برای متوقف‌کردنش نیست. تیره‌بختی، رنج و مرگ مهاجران و بیجاشدگان. سخن از مردمانی است که نه در هیچ‌جا از ایشان استقبال می‌شود و نه در هیچ‌جا جذب و پذیرفته می‌شوند. این مردمان پس از ترک سرزمین مادری بی‌خانمان شده و به گفته هانا آرنت بی‌دولت شده‌اند. انسان‌هایی بی‌حق‌وحقوق و محروم از حقوق بشر. آنچه در مرزهای بلاروس، لهستان، یونان، فرانسه و انگلستان می‌گذرد، بخشی از مصائب انسان‌هایی را نشان می‌دهد که هر روز تعدادشان فزونی می‌گیرد و هیچ قانون و قاعده‌ای شامل حالشان نمی‌شود. قربانیانی هستند که از تمام چارچوب‌ها و قاعده‌های معمول بیرون شده‌اند. به گفته آرنت ظهور مردمان بی‌دولت خط بطلانی بر حقوق بشر کشیده و بیش از پیش آشکار شده که حقوق بشر خارج از حقوق شهروندی در چارچوب دولت-ملت بی‌معنا و مفهوم است و برای مردمانی که از چارچوب دولت-ملت خود خارج شده‌اند، حقوق بشری وجود ندارد. کسی که زندگی‌اش در فضای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورش به مخاطره افتاده، هیچ مجموعه بیرونی‌ای از او حمایت نمی‌کند. بی‌دولت‌شدگانی که هر روز به تعدادشان افزوده می‌شود نشان‌دهنده درماندگی امروز بشر است. گویی تنها راه‌حلی که کشورهایی اروپایی می‌شناسند اخراج‌کردن و بازگرداندن آنها به سرزمین مادری‌شان است؛ همان‌جایی که در آنجا نمی‌توانستند به زندگی ادامه دهند، سیاست‌مداران و دولتمردان کشورهای پیشرفته اروپایی در سخنرانی‌ها بر حقوق بشر به‌منزله حقوق سلب‌ناشدنی انسان تأکید می‌کنند اما واقعیت این است فقط این حقوق شامل حال شهروندان در چارچوب دولت-ملت می‌شود و وضعیت انسان‌های بی‌ملت و بی‌دولت شده در کنار مرزهایشان و خامت وضعیت زندگی این انسان‌ها چندان اهمیتی ندارد. نادیده‌گرفتن بی‌جا و بی‌مکان شده و بی‌خودها در کنار مرزهای کشورهای اروپایی امری طبیعی شده است، مگر اینکه دسته‌جمعی غرق شوند که دولتمردان این کشورها مجبور شوند گفت‌وگویی در این مورد داشته باشند بدون هیچ راه‌کار عملی. هانا آرنت تعبیر جالبی دارد، هرچند سخن او درباره اتفاقات بین دو جنگ جهانی است اما امروز هم معتبر است؛ حق پناهندگی یگانه حقی که نماد حقوق بشر قلمداد می‌شود، ملغی شده است. دولت‌ها تمایل ندارند مردمانی را که شهروندی کشور خود بلاروس پناهندگان ابزاری برای فشار بر کشورهای اروپایی غربی هستند و سرنوشت و حیات این مردمان اهمیتی ندارد. وضعیت به‌گونه‌ای است که گویی کشوری وجود ندارد که این مردمان را بپذیرد، در این میان عودت‌دادن آنها نیز مسئله را حل نمی‌کند. وضعیت برای کسانی که پناهنده‌گی‌شان پذیرفته شده هم چندان بهتر نیست، در هر لحظه ممکن است به سرنوشت بی‌دولت‌ها و بی‌ملت‌شده‌ها دچار شوند. اروپایی پیشرفته درمانده از حل این مسئله است، درحالی‌که وضعیت این افراد روزبه‌روز بدتر می‌شود.

ادامه در صفحه ۵

علیرضا بهشتی در گفت‌وگوبا «شرق»: محفل‌های سیاسی جای احزاب را گرفته‌اند

صفحه ۲

یادداشت

شورای عالی انقلاب مدیریتی، حلقه گمشده حکمرانی

این حوزه بر این اعتقادند که راه‌حل‌های مدیریتی به گروگان گرفته است و این قاعده کم‌وبیش درباره سایر حوزه‌ها نیز صادق است؛ بنابراین اگر سطح تحلیل را از عوارض این حوزه‌ها بالاتر برده و نگاه‌ها را به سمت علت‌العلل همه آنها متمرکز کنیم، آن‌گاه متوجه خواهیم شد که «موضوع مدیریت و علوم مرتبط با آن» به‌عنوان محور تمامی تحولات-در این سال‌ها- هزار ضرب کنیم. آن‌گاه می‌توانیم بگوییم همه آن عوامل در حال حاضر به‌عنوان ضرورت‌های تأسیس یک «شورای عالی انقلاب مدیریتی» می‌تواند کاربرد داشته باشد، زیرا برای همگان دیگر روشن شده است که اگر نظام حکمرانی به‌عنوان زیربنای تمامی حوزه‌ها (ریشه‌های یک درخت) دچار آسیب شود، طبیعتاً میوه‌های آن یعنی اقتصاد، فرهنگ، اجتماع، سیاست، امنیت و... نیز آفت برمی‌دارند؛ اما در نگاه اول چون عیوب این حوزه‌ها، ملموس‌تر و سریع‌تر به چشم می‌آید، دست‌اندرکاران مربوطه سعی می‌کنند در ابتدا به مشکلات آن حوزه بپردازند؛ اما زمانی که نارسایی‌ها در تمامی این حوزه‌ها یکی پس از دیگری پدیدار می‌شود، باید کانون توجهات را به ریشه و عامل مشترک همه آنها یعنی «نظام مدیریتی» معطوف کرد که متأسفانه در کشور ما مرجع سیاست‌گذاری مستقل برای تدبیر در این حوزه که عامل اصلی به‌وجودآمدن تمامی مشکلات است، پیش‌بینی نشده است. امروز بسیاری از اقتصاددان‌ها حتی معتقدند که برطرف‌کردن مشکلات اقتصادی کشور، دیگر راه‌حل اقتصادی ندارد، بلکه راه‌حل مدیریتی دارد. یا مرتفع‌کردن آسیب‌های اجتماعی را کارشناسان

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

چرا ایران خشک شد؟

سنگ آهن از فرسنگ‌ها فرسنگ دورتر حمل می‌شد. بعداً که فولاد مبارکه در طرح صنعتی شدن ایران قرار گرفت، در آمایش اولیه سرزمینی قرار بود در بندعباس کنار دریا احداث شود؛ ولی در اصفهان جا خوش کرد. فولادی که برای تولید یک کیلو از آن به هزاران لیتر آب نیاز است، اگر امروز کارخانه ذوب آهن و فولاد مبارکه تعطیل شوند و آب مصرفی آن فروخته شود، به گفته یکی از کارشناسان محیط زیست سود کرده‌ایم، دیگر صنایعی مانند کاشی و سرامیک هم که به آب فراوان نیاز دارند، در مکان‌هایی احداث شدند که سرنوشت امروزی خشک‌شدن کشور را رقم زدند. از نظر آب مصرفی کشاورزی هم با تاسف اجازه دادیم هزاران چاه حفر شود، بدون اینکه الگوی کشت را با توجه به قیمت آب استحصالی تغییر دهیم. ایران جزء تولیدکنندگان سه، چهار محصول مانند پیسته و زعفران به لحاظ سابقه تاریخی و خرما به علت طعم و مزه آن در دیگر محصولات از نظر تناژ تولید است و جایی در آمارهای جهانی دارد؛ اما در بازار صادرات انگار غریبه‌ای است که نمی‌داند تولیدکننده هم هست، یکی از دوستان تعریف می‌کرد مدیر شرکی روسی که عمداً اثار و چند محصول زراعی را برای صادرات به روسیه خریداری می‌کرد، در سفری که به ایران آمد و سری هم به شمال کشور زده بود، می‌گفت باورم نمی‌شود که شما چنین گلخانه طبیعی در شمال کشورتان دارید؛ اما در بازار گل و گیاه روسیه که بازار پرمصرفی است حضور ندارید، برای نمونه ایران در تولید گردو جایگاه سوم بعد از چین و آمریکا را دارد؛ ولی در بازار صادرات جهانی جایگاهی نداریم و با صادرات پنج هزار تن در سال حدود ۴۰ میلیون دلار ارزآوری دارد که قابل توجه نیست و از نظر تولید در سطح هکتار هم سرانه جهانی سه‌هزارو ۴۰۰ کیلو ولی در ایران عملکرد در هکتار کمتر از دو هزار کیلو است یا درمورد گیلان، ایران رتبه سوم جهانی بعد از ترکیه که مقام نخست و آمریکا مقام دوم را دارد، هستیم؛ هرچند از نظر کیفیت گیلان ایران رتبه اول جهانی را دارد، سالانه ۱۸ میلیون تن گیلان در جهان تولید می‌شود که ۲۰۰ هزار تن آن سهم ایران است. درمورد خرما هم ایران با تولید یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن جایگاه دوم دنیا را داریم که تنها ۳۰۰ هزار تن آن را صادر می‌کنیم. از تولید سه‌میلیون و ۹۶ هزار تن پرتقال و ۷۵۱ هزار تن نارنگی، چه میزان را توانستیم صادر کنیم؟ تنها محصولی که در صادرات بعد از پیروزی انقلاب رشد داشته است، پسته است که آن هم به علت اینکه خشکبار است و امکان نگهداری آن مدت‌ها ممکن است، توانسته در عرصه بین‌المللی خوش بدرخشد.

ادامه در صفحه ۲

خورشید همیشه از شرق طلوع می‌کند شبکه شرق، باشما

@sharghDaily1 @sharghDaily sharghonline.com

